

جلسه ۲۷-۷۴۰

یکشنبه - ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

- ۱..... بررسی روایات جهر و اخفات در غیر قرائت
- ۲..... استثناء اول از نمازهای اخفاتی: نماز جمعه
- ۴..... وجه مختار برای عدم وجوب جهر در نماز جمعه
- ۵..... استثناء دوم از نمازهای اخفاتی: نماز ظهر روز جمعه
- ۷..... وجه قول به استحباب جهر در کلام محقق خوئی
- ۷..... وجه قول به حرمت جهر در کلام محقق بروجردی

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث در مواردی بود که جهر در آن واجب هست و همین طور مواردی که اخفات در آن واجب است.

عرض کردیم مورد وجوب جهر و اخفات قرائت هست، و این را در برخی از روایات تصریح کرده بودند. از جمله در روایت محمد بن عمران که در جلد ۶ و سائل صفحه ۸۳ مطرح می شود که بعدا می خوانیم، ولی چون ضعیف السند است استدلال به آن نمی کنیم. اما روایات صحیح السند هم بود که تعبیر جهر بالقراءة بود در آن.

بررسی روایات جهر و اخفات در غیر قرائت

نسبت به غیر قرائت ما دلیلی بر وجوب جهر یا وجوب اخفات نداریم مگر در تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم که بعدا بحث می کنیم. نسبت به بقیه اذکار دلیلی بر وجوب جهر یا اخفات نداریم بلکه دلیل بر تخییر هم داریم، صحیحه علی بن جعفر و صحیحه علی بن یقطین مضمونش این بود که الرجل له ان يجهر بالتشهد و القول في الركوع و السجود و القنوت قال ان شاء جهر و ان شاء لم يجهر. پس این که در صحیح زراره در من لایحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۳۱۸ می گوید القنوت كله جهر، این را حمل بر استحباب می کنیم، مستحب است جهر در قنوت. و همین طور مرسله ابن فضال عن بعض اصحابنا عن ابي عبدالله عليه السلام السنة في صلاة النهار الاخفات و السنة في صلاة الليل الاجهار، با قطع نظر از ضعف سندش بخاطر ارسال می توانیم حمل کنیم یا بر سنت مستحب یا بر خصوص قرائت بخاطر همان صحیحه علی بن جعفر و صحیحه علی بن یقطین.

ممکن است شما بگویید در هیچ کدام از این روایات راجع به سلام نماز سخنی به میان نیامد، ذکر رکوع بود، ذکر سجود بود، قنوت بود، تشهد بود، اما سلام را نگفتند آهسته بگویید، با صدای بلند

بگویند. می‌گوییم عرفا ذکر رکوع و سجود و قنوت از باب مثال است علاوه بر این که اختلافی نیست در جواز جهر و یا اخفات در سلام.

اما راجع به این که کدام نماز قرائتش جهریه است، کدام نماز قرائتش اخفاتیه است، ما یک حدیث معتبری پیدا نکردیم. بلکه حدیث‌های غیر معتبر هست مثل همان روایت علل الشرائع بناء بر نظر ما البته می‌شود تصحیح کرد سندش را ولی به نظر خیلی از آقایان ضعف سند دارد، و یا روایت محمد بن عمران که اشاره کردیم هست که سأل ابا عبد الله علیه السلام فقال لای علة یجهر فی صلاة الجمعة و صلاة المغرب و صلاة العشاء و صلاة الغداة و سائر الصلوات الظهر و العصر لایجهر فیهما، حضرت تعلیل فرمود که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج اولین نمازی که خدا بر ایشان واجب کرد نماز ظهر روز جمعه بود.

دارد که فاضل الله الیه الملائكة تصلی خلفه و امر نبیه ان یجهر بالقراءة لیبین لهم فضله ثم فرض علیه العصر و لم یضف الیه احدا من الملائكة و امرهم ان ینخفی القراءة لانه لم یکن وراءه احد ثم فرض علیه المغرب و اضاف الیه الملائكة فامرهم بالاجهار و كذلك العشاء الآخرة فلما کان قرب الفجر نزل ففرض الله علیه الفجر فامرهم بالاجهار لیبین للناس فضله، هنگام نماز صبح به زمین بازگشتند خداوند نماز صبح را بر او واجب کرد با مردم بخواند جهرا هم بخواند تا فضل نماز صبح را برای مردم بیان کند. فلهذه العلة یجهر فیها، به این خاطر در نماز صبح قرائت جهریه است.

منتها این سندش ضعیف است، فلهذه العلة یجهر فیها، تعیین کرد موارد جهر و اخفات را. روایت یحیی بن اکثم هم بود که گفت صلوات اللیل قرائتش جهریه است، صلوات النهار قرائتش اخفاتیه است، نماز صبح هم چون نزدیک شب است، قریب به شب است او هم قرائتش جهریه است. و لکن سند این‌ها ضعیف است و ما برای تعیین موارد نماز جهر و اخفات بهترین دلیل مان همان ارتکاز و سیره متشرعه است.

[سؤال: ... جواب:] لیلا من الارض. منافات ندارد که در سماء لیل نباشد. اصل اسرائش غیر متعارف بود، حالا از مکه شب حرکت کردند ولی در عالم سماء ظهر روز جمعه بوده که مشکلی ندارد.

استثناء اول از نمازهای اخفاتیه: نماز جمعه

از نمازهای اخفاتیه دو نماز استثناء شده که در آن‌ها قرائت جهریه است، یکی نماز جمعه یکی نماز ظهر روز جمعه. نماز جمعه بلا اشکال مستحب هست که قرائتش جهریه باشد یعنی اصل مطلوب بودن جهر در آن مسلم است، جمله‌ای از روایات هم شاهد بر آن هست مثل صحیح عمر بن یزید که در وسائل جلد ۶ صفحه ۱۶۰ بیان می‌کند، لیقعد قعدة بین الخطبتین و یجهر بالقراءة. صحیح عزرمی هم دارد اذا ادرك الامام يوم الجمعة و قد سبقک برکعة فاضف الیها رکعة اخرى و اجهر فیها، رکعت دوم نماز جمعه رسیدی، اقتداء کن به امام جمعه، رکعت دوم را خودت بخوان، و اجهر فیها. نماز جمعه‌ای که یک رکعتش را با امام جمعه خواندی یک رکعتش را هم با خودت خواندی، رکعت دوم را و اجهر

قرائت ۳

فیهما. این که بگوییم احتمال خصوصیت در ماموم هست این عرفی نیست، این ظاهرش این است که نماز جمعه قرائتش جهریه است و لذا خودت هم که تنها می خوانی رکعت دوم را جهرًا بخوان.

روایت سوم هم روایتی است که در من لایحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۴۱۰ نقل می کند راجع به نماز جمعه می گوید و القراءة فیهما بالجهر، قرائت در نماز جمعه جهریه است.

آقای سیستانی راجع به این روایت من لایحضره الفقیه نکته ای دارند عرض می کنم. چون کتاب من لایحضره الفقیه کتاب فتوی است، و گاهی صدوق حدیثی را نقل می کند با سند معتبر بدون این که اشاره کند که ادامه اش من حدیث دیگری نقل می کنم یا کلام خودم هست حدیث دیگری را نقل می کند یا خودش کلامی می گوید، خیلی ها به اشتباه می افتند، فکر می کنند این ادامه حدیث سابق است. آن هایی که خیلی اهل تتبع نیستند مثل مرحوم آقای خوئی که با آن دقت نظرش خیلی اهل تتبع نبود، نوعاً فکر می کنند این ادامه حدیث است مثل همان و کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا اتی ذباب قصر لان الذباب علی رأس البرید. این مرحوم مجلسی اول هم می گوید معلوم نیست این ذیل صحیحه زراره باشد، درست هم هست، آقای سیستانی چون اهل تتبع است، حواسش هست، این جا گفته: ببینید! کافی این صحیحه زراره را نقل می کند تا قبل از آن که می گوید نماز جمعه واجب هست ولی از نه نفر برداشته شده، از صغیر و الکبیر و المجنون و المسافر و العب و المرأة و المریض و الاعمی و من کان علی رأس فرسخین. تمام می کند. پس احتمال می دهیم و القراءة فیهما بالجهر کلام خود صدوق باشد. بعدش هم فرموده: و القراءة فیهما بالجهر که دلیل بر وجوب نیست، چون دارد: و القراءة فیهما بالجهر و الغسل فیهما واجب، آخرش گفته واجب، واجب یعنی ثابت، از کجا می گوید واجب در مقابل مستحب است؟ به نظر ما هر دو اشکال قابل جواب است. اما این که ممکن است این ذیل کلام صدوق باشد، این با خصال نمی سازد. خصال جلد ۲ صفحه ۴۲۲ از زراره کل این حدیث را تا آخر نقل می کند، دیگر خصال که کتاب فتوی نبود، و القراءة فیهما چهار و الغسل فیهما واجب، آن جا هم هست. اگر فقط من لایحضره الفقیه بود اشکال آقای سیستانی قابل قبول بود.

ذیل همین حدیث من لایحضره الفقیه تعبیرش این است، می گوید: و تفرد بهذه الرواية حریز عن زرارة و الذی استعمله و اُفتی به و مضی علیه مشایخی رحمة الله علیهم، هو ان القنوت فی جمیع الصلوات فی الجمعة و غیرها فی الركعة الثانية بعد القراءة و قبل الركوع. چون ذیل این صحیحه زراره داشت و علی الامام فیهما قنوتان قنوت فی الركعة الاولى قبل الركوع و فی الركعة الثانية بعد الركوع، مرحوم صدوق در ذیل می گوید این حدیث را فقط حریز از زراره نقل می کند که قنوت رکعت اولی قبل الركوع است، قنوت رکعت ثانیه بعد الركوع است، ولی آنی که من به آن فتوی می دهم و مشایخ و اساتید من گفتند این است که قنوت در همه صلوات چه در جمعه چه در غیر آن در رکعت ثانیه است بعد از قرائت و قبل از رکوع، مثل بقیه نمازها. پس خود صدوق هم در من لایحضره الفقیه از ذیلش معلوم می شود که کل این حدیث را از زراره می دانسته.

۴ مسائل

اما این که آقای سیستانی فرمودند واجب به معنای ثابت هست، اصلاً واجب راجع به غسل است، راجع به قرائت نیست. و القراءة فيها بالجهر، خبرش بالجهر است، و الغسل فيها واجب، و الا اگر می خواست بگوید و القراءة الجهرية فيها و الغسل لها باید می گفت واجبان نه واجب. آن خبرش همان بالجهر است، و القراءة فيها بالجهر، قرائت در نماز جمعه جهریه است. ظاهرش تعین است دیگر، یعنی نباید اخفاتیه باشد. ظهورش در وجوب هست. بقیه روایات هم ظهورشان در وجوب بود. ممکن است شما بگویید اگر ظهور این روایات در وجوب است، پس چرا فتوی به وجوب نمی دهند علماء؟ می گوئیم: صاحب جواهر می گوید بخاطر اجماع، گفتند اجماع داریم بر عدم وجوب و الا این روایات ظاهرش وجوب جهر در قرائت در نماز جمعه است. ولی من صاحب جواهر برایم روشن نیست این اجماع بر استحباب، چون اولین کسی که تصریح می کند به استحباب محقق حلی است، قبل از محقق حلی می گفتند یجهر فی صلاة الجمعة بالقراءة، آن ها نگفتند مستحب است، شاید مقصودشان این است که واجب است.

و لذا بزرگانی مثل آقای خوئی، مثل آقای داماد گفتند مقتضای صناعیت این است که بگوییم واجب است در نماز جمعه قرائت جهریه باشد. آقای نائینی هم در حاشیه عروه می گوید بل هو الاحوط، در ذیل کلام صاحب عروه که می گوید مستحب است در نماز جمعه قرائت جهریه، مرحوم نائینی می گوید بل هو الاحوط فيها، احتیاط واجب همین است.

وجه مختار برای عدم وجوب جهر در نماز جمعه

بله، ما یک شبهه ای که داریم این است که می گوئیم شاید ارتکاز متشرعه در زمان ائمه بر عدم وجوب قرائت جهریه در نماز جمعه بوده و احتمال ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب کافی است که دیگر احراز انعقاد ظهور این روایات را در وجوب نکنیم. نه بخاطر اجماع، به این خاطر ما می گوئیم که می شود فتوی به وجوب نداد بلکه فتوی به استحباب داد چون احتمال ارتکاز متشرعه در زمان شارع بر عدم وجوب قرائت جهریه در نماز جمعه مانع از احراز ظهور این روایات در وجوب می شود چون می شود احتمال قرینه متصله.

[سؤال: ... جواب:] همه اش نماز جمعه بوده، کار دیگری که نداشتند. ... شیعه را می گوئید؟ شیعه که نماز جمعه نمی خوانده، ولی نماز جمعه بالاخره عامه می خوانده، مطرح بوده. ... احتمال که خودش می آید بی دعوت. ... بخاطر کثرت ابتلاء به نماز جمعه و ائمه جمعه، احتمال می دهیم ارتکاز شکل می گرفته بر این که جهر در قرائت نماز جمعه واجب نیست. ... اهل سنت ظاهراً واجب نمی دانند جهر در قرائت نماز جمعه را. خود این مؤید همین عرض من است که شاید ارتکاز شیعه هم مثل عامه بر عدم وجوب قرائت در نماز جمعه بوده. ... آقای سیستانی احتیاط واجب می کنند در قرائت جهریه در نماز جمعه چون ایشان احتمال ارتکاز متشرعه را مانع از تمسک به ظهورات نمی دانند. ما وفاقاً للبحوث این نظر را اختیار کردیم که احتمال ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب یعنی احتمال قرینه حالیه نوعیه متصله،

قرائت ۵

یک وقت قرینه حالیه شخصیه است، راوی بیان می کند که هم چون قرینه شخصیه ای در مجلس امام نبود، اما قرینه حالیه نوعیه مثل ارتکاز متشرعه را راوی ملزم نمی داند خودش را که بیان کند چون می بیند مستمعش هم مثل خودش این ارتکاز متشرعی را دارد، برای چی برای او بیان کند ولی در کتابها که ثبت می شود یواش یواش دین مردم معارف مردم ضعیف می شود دیگر آن ارتکازها کم رنگ می شود شک می کنند، این منشأ شک در قرینه حالیه نوعیه متصله می شود و به نظر ما همین کافی است که احراز ظهور در خطاب نکنیم.

استثناء دوم از نمازهای اخفاتیه: نماز ظهر روز جمعه

اما به ما چه نماز جمعه قرائتش جهریه است، خود ائمه جمعه می دانند، ما برویم سراغ نماز ظهر خودمان در روز جمعه.

شیخ طوسی و جماعتی گفتند که واجب است در نماز ظهر روز جمعه قرائت حمد و سورهات جهرا باشد. ولی مشهور می گویند: نه، مستحب است. سید مرتضی تفصیل داده، می گوید: بر امام جماعت واجب است جهر در قرائت، مستحب است یا واجب است، حالا بحث دیگر است، ایشان ظاهرش این است که مستحب است چون اصل جهر را هم می گفت مستحب است، مستحب است جهر در نماز ظهری که امام جماعت می خواند در روز جمعه ولی اگر در خانهات نماز ظهر می خوانی نه نماز ظهری که امام جماعت بشوی، باید اخفاتا بخوانی. این هم نظر سید مرتضی.

[سؤال: ... جواب:] سید مرتضی کلا جهر در قرائت را مستحب می دانست. در فردای واجب است اخفات، ولی امام جماعت اگر شدی ان شاء الله آن وقت سید مرتضی می گوید مستحب است جهر در قرائت نماز ظهر روز جمعه.

ابن ادریس گفته: نه، مقتضای قاعده اشتغال این است که نماز ظهر روز جمعه تان را آهسته بخوانید، قرائتش آهسته باشد، چون یقیناً آهسته بخوانی به وظایف عمل کردی، اما اگر با صدای بلند قرائت جهریه داشته باشی در ظهر روز جمعه، معلوم نیست مشروع باشد.

مرحوم آقای بروجرودی هم در حاشیه عروه همین کار را کرده، گفته احتیاط واجب ترک قرائت جهریه است در نماز ظهر روز جمعه.

با همه ارادتی که ایشان به شیخ طوسی دارد و شیخ طوسی فتوی به وجوب جهر در قرائت نماز ظهر روز جمعه داده، ایشان فرموده احتیاط واجب این است که ترک کنند جهر را در قرائت نماز ظهر روز جمعه.

ما چه کنیم؟ ما چه گناهی کردیم؟ علماء این همه با هم اختلاف دارند، ما چه گناهی کردیم؟ منشأ اختلاف این بزرگان چیست؟ یکی می گوید قرائت در نماز ظهر روز جمعه جهرا باید باشد، شیخ طوسی، دیگری می گوید: و لو از باب احتیاط واجب، اخفاتا باید باشد، ابن ادریس، آقای بروجرودی، سومی می گوید: قرائت جهریه در نماز ظهر روز جمعه مستحب است، مشهور، چهارمی می گوید: استحبابش

هم ثابت نیست، آقای سیستانی، آقای داماد. ببینیم بالاخره منشأ این اختلاف چیست، بلکه بتوانیم کدخدامنشانه حل کنیم این اختلاف را!!

منشأ، اختلاف روایات است. سه طائفه می شود کرد روایات را: طائفه اول امر به جهر کرده در نماز ظهر روز جمعه. مثل صحیح محمد بن مسلم: عن ابی عبدالله علیه السلام قال لنا صلوا فی السفر صلاة الجمعة جماعة بغیر خطبة و اجهروا بالقراءة، امر کرده به جهر. صلاة الجمعة جماعة بغیر خطبة یعنی نماز ظهر روز جمعه، از آن مواردی که به نماز ظهر روز جمعه گفتند صلاة الجمعة. فقلت انه ینکر علینا الجهر بها فی السفر، آقا! عامه انکار می کنند بر ما می گویند چرا در نماز ظهر روز جمعه شما قرائت جهریه می خوانید؟ فقال: اجهروا بها، گوش ندهید به این حرف ها، اجهروا بها، امر به جهر. این طائفه اول.

[سؤال: ... جواب:] از باب این که در حضر نماز جمعه می خواندند، در سفر نماز ظهر می خواندند. ... یا نماز جمعه بعضی هایشان شرکت می کردند و لو از باب تقیه. ... در سفر این ها احساس آزادی می کردند، دیگر آن جا امامت جمعه نبود که بگویند شما ضد امام جمعه هستید، نماز ظهر می خواندند جهر قرائت می کردند، عامه می گفتند چرا این کار را می کنید؟ امام فرمود گوش به حرف این ها ندهید، اجهروا بها. ... عامه قائل هستند به عدم وجوب جهر در صلوات جهریه اما در صلوات اخفاتیه قائل به وجوب اخفات هستند. ... بله، در ظهر روز جمعه قائل به وجوب اخفات هستند عامه.

طائفه دوم طائفه ای است که امر به جهر ندارد، تعبیر این است: أیجهر فیها بالقراءة؟ قال نعم، اجهر فیها بالقراءة؟ قال نعم. صحیح عمران حلبی و صحیح دیگر حلبی. یعنی سائل سؤال می کند، حلبی سؤال می کند در نماز ظهر روز جمعه أیجهر فیها بالقراءة؟ امام می فرماید نعم.

این جا اختلاف است که آیا این هم ظهور در وجوب دارد؟ آقای سیستانی فرموده: نخیر، سؤال از جواز جهر بود، امام فرمود جایز است. أیجهر فیها بالقراءة، در مقام توهم حذر بود، امام فرمود نعم یعنی مانعی ندارد. پس این طائفه اختلاف است که آیا مفادش امر به جهر است یا مفادش جواز جهر است که آقای سیستانی نظرش این است.

طائفه سوم نهی از جهر است. صحیح محمد بن مسلم: سألت عن صلاة الجمعة فی السفر فقال: تصنعون كما تصنعون فی الظهر و لایجهر الامام فیها بالقراءة و انما یجهر اذا کانت خطبة. منفرد که هیچ، امام هم حق ندارد در نماز ظهر روز جمعه قرائت جهریه بخواند، فقط موقعی که می رود نماز جمعه می خواند یجهر بالقراءة، و انما یجهر اذا کانت خطبة. صحیح محمد بن مسلم و سائل جلد ۶ صفحه ۱۶۲. و همین طور صحیح جمیل، صفحه ۱۶۱: سألت عن الجماعة یوم الجمعة فی السفر قال یصنعون كما یصنعون فی غیر یوم الجمعة فی الظهر و لایجهر الامام فیها بالقراءة انما یجهر اذا کانت خطبة. حالا منشأ اختلاف روشن شد.

وجه قول به استحباب جهر در کلام محقق خوئی

آقای خوئی فرموده طائفه اول که ظاهر در وجوب است، طائفه دوم هم ظاهر در وجوب است. و لکن ما نمی‌توانیم فتوی به وجوب بدهیم. چرا؟ لو کان لبان. اسم این را چی می‌گذارید؟ سمیناه بالدلیل الخامس، کتاب سنت اجماع عقل لوکان لبان. یعنی چی؟ یعنی اگر نماز ظهر روز جمعه قرائتش واجب بود جهریه باشد، مخفی می‌ماند بر شیعه با کثرت ابتلائی که دارند؟ بر فقهاء شیعه مخفی می‌ماند که مشهور فقهاء شیعه قائل به عدم وجوب شدند، حتی ابن‌ادریس گفت قدرمتیقن از برائت ذمه این است که قرائت اخفاتیه باشد در قرائت نماز ظهر روز جمعه. این که نمی‌شود واجب باشد و مخفی بماند. پس قطعاً واجب نیست.

ممکن است یکی بگوید آقای خوئی! در نماز جمعه چرا این را نگفتی؟ آن‌جا گفتی مقتضای ظاهر ادله وجوب جهر است. آقای خوئی می‌گوید: تو نماز جمعه را با نماز ظهر یکی می‌کنی؟ نماز جمعه بین شیعه شایع نبود، متروک بود، محل ابتلاء عامه شیعه نبود، فرق می‌کند با نماز ظهر روز جمعه، این محل ابتلاء شیعه بوده، این‌ها را یکی نکنید.

می‌گویند: آقای خوئی! طائفه سوم چی می‌شود؟ آقای خوئی می‌گوید: طائفه سوم که نهی‌اش در مقام توهم وجوب است. و لایجهر الامام فیها بالقراءة یعنی فکر نکند امام جماعت ظهر روز جمعه واجب است جهر بخواند همان‌طور که در نماز جمعه واجب است، نه، واجب نیست.

[سؤال: ... جواب:] ایشان که نظرش این است که نماز جمعه واجب است جهر، آقای خوئی نظرش این بود.

و لذا آقای خوئی فتوی به استحباب قرائت جهریه در روز جمعه نماز ظهر داد. روشن شد دیگر، دو طائفه دلیل ظاهر بر وجوب هستند اما بخاطر این که لو کان لبان و انتشار ما نمی‌توانیم فتوی به وجوب بدهیم حمل بر استحباب می‌کنیم، طائفه ثالثه هم که نهی در مقام توهم وجوب است، لایجهر یعنی فکر نکن واجب است، نه، واجب نیست.

[سؤال: ... جواب:] به اولویت وقتی امام جماعت لایجهر، منفرد یجهر؟ ... طائفه اولی و ثانیه مطلق است دیگر. عن الرجل یصلی الجمعة اربع رکعات یجهر فیها بالقراءة قال نعم.

وجه قول به حرمت جهر در کلام محقق بروجردی

آقای بروجردی فرموده: از من هم پرسید که من چرا احتیاط واجب می‌کنم. روایات تعارض دارد، من چه کار کنم؟ یک طائفه می‌گوید اجهروا، یک طائفه می‌گوید لایجهر. وقتی یکی می‌گوید اجهر یکی می‌گوید لایجهر، تعارض می‌کنند، لایجهر ظاهر در عدم جواز است، اجهر هم بر خلاف آن هست، با هم تعارض می‌کنند. و چون متعارض هستند ما دلیلی بر استحباب قرائت جهریه در نماز ظهر روز جمعه نداریم. و سیره متشرعه هم بر اخفات است. و لذا در آن روایت گفت: ینکر علینا الجهر بها، به ما اعتراض می‌کنند چرا شما جهر دارید در قرائت نماز ظهر؟ و لذا ما اخبار حرمت جهر را ترجیح می‌دهیم

چون با سیره مستمره موافق است. فلاحوط لو لم یکن اقوی هو الاخفات. اگر الاحوط لو لم یکن اقوی در کلام آقای خوئی بود، آقای خوئی می گوید این فتوی است، ولی در کلام آقای بروجردی معلوم نیست این فتوی باشد، خود ایشان هم احتیاط واجب کرده.

پس تا حالا وجه قول به استحباب جهر را از آقای خوئی شنیدیم، وجه قول به حرمت جهر را از آقای بروجردی شنیدیم، ولی اشکالی که فعلا به آقای بروجردی داریم این است که از کجا سیره مستمره مرجح باب تعارض شد؟ و يرجح اخبار المنع لموافقتهما للسیرة المستمرة، آقا! سیره مستمره برای این است که نشیندند. آن وقت همه نیستند، اخباری ها را بروید ببینید نماز ظهر روز جمعه شان را جهریه می خوانند، سیره متشرعه نشیندند، شما علماء نگفتید برای مردم، مردم هم قیاس کردند روز جمعه را به روز شنبه به روز پنجشنبه. این که دلیل بر حرمت جهر نمی شود. بعدش هم سیره مستمره مگر جزء مرجحات است. کاش می گفتید آن روایتی که می گوید اجهر مخالف عامه است، آن روایتی هم می گوید لاتجهر موافق عامه است، ترجیح می دادید اخبار داله بر جهر را چون مخالف عامه است. تامل بفرمایید ببینیم آیا راجع به این سه طائفه مطالبی می شود گفت یا نه، ان شاء الله فردا.